

محمود رفیعیان قهرمان کاراته مدال جهانی اش را به بچه‌های دیوار ۴۷ هدیه می‌کند

بادعای سندرم داوونی‌ها روی سکور فتم



اکرم احمدی

سپید: محمود رفیعیان قهرمان کاراته مدال

بزرگ جهانی اش را به بچه‌های دیوار ۴۷ هدیه می‌کند. او که قبل از مسابقات جهانی با این بچه‌ها آشنا شده، معتقد است دعای خیر خدا را شکر در این مسابقات سربلند بودم و آن‌ها باعث موفقیت او در مسابقات جهانی شده است. رفیعیان می‌گوید: «من خیلی اهل تلویزویون و روزنامه و شبکه‌های مجازی نیستم برای همین اصلاً از موضوع دیوار ۴۷ و بچه‌های سندرم داوون خبر نداشتم، اما وقتی برنامه خانم عباس زاده را در شبکه نسیم و خندوانه دیدم، به آن‌ها علاقه پیدا کردم. به نظر من این بچه‌ها پاک‌ترین قلب‌های دنیار دارند و متأسفانه آن‌طور که باید به آن‌ها توجه نمی‌شود... رفیعیان قبل از حضور در مسابقات جهانی کاراته که شهریور گذشته در تهران برگزار شد از این بچه‌ها خواست تا برایش دعا کنند. «قبل از آشنایی با بچه‌های

کوچک است. حرکت بزرگی نیست ولی از دست من همین کاربر می‌آید. البته این کار می‌تواند کمی نظرها را جلب کند. این بچه‌ها نباید مهجور و منزوی بمانند. آن‌ها هم حق زندگی کردن دارند. امیدوارم مسئولین هم به ما کمک کنند و اتفاق‌های خوبی در آینده بیفتد و کم‌کم آن‌ها را در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی ببینیم. بازم می‌گویم بعد از مراسم، این موج کم‌کم به مناطق دیگر سرایت کند و شاهد برقراری ارتباط موضوع باعث شد که دیگر آن‌ها را فراموش نکنم و از این به بعد همه تلاش‌ها را انجام می‌دهم تا این بچه‌ها را از انزوا در بیاورم.»

پزشک عمومی و ایده دیوار ۴۷
آزاده عباس‌زاده، پزشک عمومی برای اولین بار یک دیوار ۲۰ متری را براساس یک کروموزوم اضافی افراد مبتلا به سندرم داوون نام‌گذاری کرد. او با همکاری شهرداری رضوانشهر یک دیوار ۲۰ متری در خیابان‌های

کالبدشکافی

راز سر مهر

خلیل کاظم‌نیا
پزشک عمومی



سپید: از وقتی پدر بیمار شده و سر و کارمان به سلول‌های خون و شمارش هرروزه آن افتاده همه‌مان به یک توافق نانوشته رسیدیم که چیزی از بیماری به پدر نگوئیم، لایذ اینجوری برایش بهتر است! بیشتر اجرای این توافق خانوادگی به عهده من بود چون هم من بیست و چهار ساعته در کنار پدر پیگیر کار درمان بودم و هم اینکه به خاطر پزشک بودن باید تمام سؤالات احتمالی ایشان را جواب می‌دادم. البته با حفظ تمام اصول پنهان‌کاری و همین رازداری آزار دهنده روح و جانم را می‌خرشید، اما نباید پدر چیزی از بیماری‌اش می‌فهمید این را همه به من گوشزد می‌کردند. توافق خانوادگی به نحو احسن انجام می‌شد و من برای پیشبرد اهداف آن از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کردم به طوری که حتی کارت ویزیت پزشک و شماره‌های تماس مطب را هم از دسترس پدر دور می‌کردم اما از طرف دیگر پدر هم تمام استعداد و تجربه هشتادساله‌اش را به کار می‌برد تا به کوچک‌ترین سند و خبر مستندی از بیماری‌اش دست یابد.

این تعقیب و گریز خبری روزبه‌روز وارد مرحله جدی‌تری می‌شد تا این که یک روز عصر همه معالمان به هم ریخت. آن عصر شنبه قرار بود از پدر نمونه مغز استخوان گرفته شود.

کارهای پذیرش به سرعت در مطب انجام شد و برای انجام نمونه‌برداری به طبقه بالای مطب رفتم. پدر را روی تخت اتاق نمونه‌برداری خواباندم. دل‌شوره عجیبی قلبم را می‌لرزاند، همه‌اش فکر می‌کردم باز شهر بمباران شده و هنوز پدر به خانه برگشته و نمی‌دانستم خبر سلامتش را از کجا بگیرم!

سرم شده بود مثل آونگ! از مطب به سال‌های دور بمباران می‌رفت و دوباره برمی‌گشت.

این آدم‌وشد آخر کار دستم داد و دفترچه بیمه روی تخت جا ماند تا از خلسه خارج شدم پدر را دیدم که روی تخت نشسته و با دقت دفترچه را ورق می‌زند و نسخه‌ها را می‌خواند تا چشمش به من افتاد فوری گفت:

«اینو نمی‌تونم بخونم. چی نوشته؟»

نزدیک که شدم دیدم مهر دکتر را می‌گوید که پای نسخه خورده. مهر کاملاً واضح و پررنگ اسم دکتر را نوشته بود و زیر اسم نوشته بود «فوق تخصص خون و سرطان بالغین» و جالب آن‌که پدر هم کلمه «خون» را درست خوانده بود و هم کلمه «بالغین» را و گریش تنها روی «سرطان» بود و پشت سرهم می‌پرسید: «فوق تخصص خون و چی بالغین؟»

زود دفترچه را از دستش کشیدم و با آمدن دکتر به اتاق سؤالاتش بی‌جواب ماند.

حین نمونه‌برداری، پدر مرتب از دکتر سؤال می‌کرد و می‌پرسید: «علائم سرطان مقایسه می‌کرد. معلوم بود توی این مدت پدر هم بی‌تحرك نبوده و به‌دوراز چشم ما اطلاعات به‌روزی از سرطان خون پیدا کرده بود. یاد دکترو که حرف می‌زد صدایش می‌لرزید. یک‌جورهایی مثل هم شده بودیم، انگار او هم از روایت قصه سرطان هراس داشت.»



به مناسبت اربعین انجام می‌شود؛ پاریزایر موبک بسیج جامعه پزشکی رفسنجان در «تل زینبیه».



بیکر شهید خزایی، دیروز پس از تشییع از مقابل مسجد بلال صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به زادگاهش در زاهدان برای خاک‌سپاری منتقل می‌شود. شهید محمود خزایی عصر روز شنبه ۲۲ آبان ماه، در حالی که مشغول تهیه گزارش تصویری از خط مقدم جبهه نبرد با تروریست‌ها در حلب سوریه بود و به شهادت رسید.

باشگاه خبرنگاران جوان



احمد ایران دوست بازرگر سینما و تلوویزیون عکسی از خوش در کنار کودکان اوتیسم منتشر کرد.

باشگاه خبرنگاران



معبد آناهیتا توسط مردم گنگاور پاک‌سازی شد. اهالی گنگاور صبح دوشنبه به‌صورت خودجوش محوطه باستانی معبد آناهیتا را نظافت کردند.



کریس رونالدو بازیکن رئال مادرید و کاپیتان تیم ملی برتقال برای ادو فریرا بازیکن تیم بواریستا که به بیماری سرطان مبتلا شده، پیغام دلگرم‌کننده فرستاد.



مراسم ترحیم توران میرهادی با حضور علاقه‌مندان این چهره فرهنگی و پیشکوت ادبیات کودک و آموزش و پرورش عصر روز یکشنبه برگزار شد.

سمفونی

مر ترضی پاشایی هنوز هم آلبوم دارد!

جام جم: پدر مرتضی پاشایی از جمع‌آوری آثار پسرش و انتشار یک آلبوم دیگر خبر داد. او گفت: «مرتضی پیش از این که به‌شکل مستقل شروع به کار کند، به‌عنوان آهنگساز و تنظیم‌کننده در یک موسسه کار می‌کرد و تعداد بسیار زیادی آهنگ از آن دوران باقی‌مانده است.» او گفت: «بعد از درگذشت مرتضی، به تهیه‌کنندگی من آلبوم «این اسمش عشقه» بیرون آمد. از آنجا که مردم بسیار علاقه‌مند هستند صدای مرتضی را بازهم بشنوند، تمایل دارم آثار باقی‌مانده را نیز به‌صورت آلبوم منتشر کنم.» او همچنین از ثبت یک موسسه به نام پسرش خبر داد و گفت: «مرتضی به شهرهای مختلف می‌رفت و نسخه‌های موسیقی را جمع می‌کرد. ما هم تصمیم گرفتیم این کار را ادامه دهیم. بنابراین با پشتیبانی وزارت ارشاد و دفتر موسیقی، موسسه فرهنگی - هنری مرتضی پاشایی را به ثبت رساندیم که فعالیت‌هایش را بعد از سالگرد آغاز خواهد کرد.» مرتضی پاشایی ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۳ پس از مدتی بستری شدن در بیمارستان به دلیل بیماری سرطان معده، دار فانی را وداع گفت. ■



رخصت

تندیس استقامت به خانواده کشتی‌گیر نوجوان

سپید: وزیر ورزش و جوانان در روز جهانی کودک تندیس استقامت را به خانواده آرمیده کشتی‌گیر تیم ملی نوجوانان اهدا می‌کند. بدعت رسول خادم رئیس فدراسیون کشتی، مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش و جوانان تندیس استقامت را در روز جهانی کودک به خانواده ابوالفضل آرمیده کشتی‌گیر تیم ملی نوجوانان ایران اهدا می‌کند. ابوالفضل آرمیده کشتی‌گیر تیم ملی نوجوانان ایران مدتی است در بستر بیماری به سر می‌برد. کشتی‌گیر نوجوانی که به قول رئیس فدراسیون پزشکی و ورزشی توانسته است با استقامت خود بر این شرایط غلبه کند. دکتر نوروزی در این باره گفت: «شرایط کلی بیماری ابوالفضل آرمیده عضو تیم کشتی آزاد نوجوانان همچون روزهای قبل است و او در حال دریافت داروهای مخصوص بیماری‌اش است. البته آرمیده به دلیل دریافت این داروها دچار کاهش ردهای گلبول‌های خونی می‌شود و به همین علت از لحاظ انعقادی و مقاومت در برابر بیماری در شرایط خاصی قرار دارد.» آرمیده هم‌اکنون در اتاق خصوصی مجتمع ولی‌عصر بیمارستان امام خمینی (ره) به‌صورت ایزوله بستری و ممنوع‌الملاقات است. ■



گزارش

شروع «نفس» با اهدای تندیس به همسر داوود رشیدی



ایستاد: فیلم سینمایی نفس با گرامیداشت یاد و خاطر زنده‌یاد داوود رشیدی بازیگر تئاتر و سینما در پردیس سینما کوروش به روی پرده رفت. در ابتدای این مراسم نرگس آبیان، کارگردان فیلم نفس درباره داستان این فیلم سینمایی توضیح داد: «فیلم نفس درباره معصومیت و کودکی همه ما است و آن دوران را به اشکال مختلف تجربه کرده‌ایم و گاهی لازم است کودکی خود را به یادآوریم. امیدوارم به کمک فیلم نفس بتوانیم روزهای خاطره‌انگیز کودکی و نوجوانی خود را در یاد و خاطره‌مان زنده نگاهداریم. خوشحالم که در کنار شما یکبار دیگر نفس را می‌بینم و امیدوارم همه شما این فیلم را دوست داشته باشید.» کارگردان فیلم سینمایی شیار ۱۴۳ گفت: «نفس اثری است که با همدلی و همراهی دوستانم در تیم تولید ساخته شد. این فیلم در بیابان، خیابان، دشت و دمن و صحرا با شرایط دشوار ساخته شد به همین دلیل کار آسان نبود و اگر کمک همه دوستان و عواملی که در ساخته‌شدن این اثر سینمایی با ما همکاری کردند نبود، نفس ساخته نمی‌شد.» در ادامه این مراسم تندیس فیلم سینمایی نفس به‌منظور گرامیداشت یاد و خاطر داوود رشیدی به احترام

سادات برومند همسر این بازیگر نامدار تئاتر و سینما تعلق گرفت. احترام برومند پس از دریافت تندیس این فیلم سینمایی گفت: «من و خانواده‌ام از مردم، مطبوعات، عکاسان و سینماگران بسیارگزار هستیم و دلم می‌خواهد از خجالت این همه محبت درآیم و مطمئن هستم اگر داوود اینجا بود خیلی خوشحال می‌شد.» اجرای زنده قطعه نفس به خوانندگی مهدی یراحی از دیگر بخش‌های مراسم افتتاحیه این فیلم بود که مورد توجه قرار گرفت. مصطفی تاج‌زاده، فخرالسادات محتشمی‌پور، مصطفی معین، فیض‌الله عرب سرخی، رضا یزدانی، سیروس الوند، ابوالفضل جلیلی، کاظم هژیر آزاد، عبدالرضا اکبری، پندار اکبری، حاجت‌الاسلام محمدعلی آهنگران، کیهان ملکی، امیر غفار منش، مریم بویانی، مریم کابویانی، ستاره و لاله اسکندری، آزاده نامداری، مینا وحید، نیلوفر پارسا، الهام حمیدی، شیرین یزدان‌بخش، احترام سادات برومند، لیلی رشیدی، فریدون عموزاده، مهدی یغمایی، محسن افشانی، الهام پاره‌نژاد، نازنین بیانی، گلاره عباسی، عارف لرسناتی، نگین صدق‌گویا با میهمانان مراسم افتتاحیه این فیلم بودند. ■